

نگاهی به زندگی پربار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نوشته: عبدالحسین طالعی^۱

چکیده: این گفتار به زندگی‌نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ، استاد فقید عراقی (۱۳۴۴-۱۴۳۰ هجری قمری / ۱۹۲۶-۲۰۰۹ میلادی) می‌پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش‌های علمی او، کوشش پی‌گیر او در احیای سنت حسنه روایت حدیث، فهرستی از مشایخ روایتی او، در این گفتار آمده و در پایان، منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سید جلال‌الدین محدث ارموی آمده است.

کلیدواژه: محفوظ، حسین علی / دانشگاه بغداد / اجازه روایت حدیث / محدث ارموی، سید جلال‌الدین / تاریخ عراق، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

عن ابی جعفر علیه السلام: عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.^۲

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۲. کافی، کتاب فضل العلم، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء، حدیث ۸.

سرکشید از خاک، آن دانا که داشت در جهان فضل و بر ملک معانی سروری
پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه معنی‌شناسان قبله دانشوری^۱
۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه فقدان یکی از دانشمندان کم‌نظیر بود که
بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلّم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و
نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ، پژوهشگر میدان دانش‌های مختلف، که شهرها
و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و در هر جای، آثار و برکات
حضورش نمایان بود.

فصلنامه سفینه افتخار یافت که در سالهای اخیر عمر آن محقق فقید، به فیض
همکاری علمی معظم له نائل گردد. و این، از زمانی بود که جناب ایشان، با قبول
عضویت در هیئت تحریریه سفینه بر ما منت نهادند. و از آن پس، - به فراخور توان
جسمی و با ملاحظه کھولت و آثار آن - گاه طرح کلی شماره‌های فصلنامه و گاه
جزئیات برخی از مقالات را، چه حضوراً و چه از طریق تلفن، به محضر ایشان
باز می‌گفتم و از نظرات بی‌بدیل آن پیر دیر علم و دین بهره می‌گرفتم.

اکنون پیکری که سال‌ها با آسایش بیگانه بوده و جز خدمت به علوم اهل
بیت علیهم‌السلام کاری نمی‌شناخت، در جوار موالی خود، امام کاظم و امام جواد علیهم‌السلام
خوش آسوده و آرام گرفته است. خدایش بیامرزد و در فردوس برین جای دهد!
برای آشنایی بیشتر با این علامه فقید - که برای دانشوران ایرانی کمتر شناخته
شده - وظیفه خود دیدیم که خلاصه‌ای از زندگی‌نامه علمی پر برگ و بار معظم له را
در اینجا بیاوریم.

خاندان

آل محفوظ، خاندان علمی است، بس کهن و ریشه‌دار از شهر فرهنگ خیز «حله»

۱. بخشی از قصیده استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمدخان قزوینی.

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امت اسلام شناسانده است.



شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشاح بن محمد اسدی حلّی، جدّ اعلای این خاندان - در قرن هفتم - یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که در روز عاشورا، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدّس ابی عبدالله علیه السلام، جناب حبیب بن مظاهر اسدی، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ، از سوی دیگر، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند، که علامه حلّی و فرزندش فخرالمحققین، از این خاندان هستند.

صاحب کتاب «غرر الدلائل» - که در شرح قصاید علویّه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته - در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰ نزد استادش شیخ شمس الدین ابو محمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره، شیخ حر عاملی در امل الامل، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علامه امینی در الغدیر، مراتب علمی او را ستوده اند. و بزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمد بن محفوظ نیز از بزرگان علمو ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الامل، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود، او را ستوده اند. و قصیده صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است. وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاة حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ، از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ در هرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد و در کاظمیه سکنی گزید. او نزد سید عبدالله بشر،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکملة امل الامل، با اشاره به زهد عملی و تلاش علمی وی، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می‌برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمانو ابوذر روزگار خود» می‌خواند.

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده‌اند که مجال بیان نام‌های آنها، خود رساله‌ای مفصل می‌طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی‌گنجد.

علاوه بر عراق، در جای جای لبنان و سوریه نیز، بزرگانی از این خاندان می‌توان یافت. از جمله نسب پطرس بستانی (متوفی ۱۸۸۳ میلادی)، سلیمان بستانی (م ۱۹۲۵)، ودیع بستانی (م ۱۹۵۴)، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می‌رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م ۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد (۱۳۵۸ ق) ابن الشیخ موسی (۱۳۲۰ ق) ابن الشیخ حسین (۱۲۶۲ ق) ابن الشیخ علی (۱۲۲۲ ق) ابن الشیخ محمد ابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ، در روز دوشنبه ۲۰ شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه، محله الشیوخ، شارع قریش، در خانه قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه (م ۱۴۱۰ ق) دخت سید هاشم صائغ (م ۱۳۷۴ ق)، از دودمان جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام بودند که ابن حزم اندلسی در کتاب «جمهرة انساب العرب»، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت. در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالیة در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵، در رشته ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکتر گرفت. در سال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبی و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ، در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد. علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی، دروس حوزوی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت. در کنار آن، دروسی همچون علم انساب، نجوم، ریاضیات، طب قدیم، منطق و فلسفه را نیز آموخت. در طول سالهای تهران، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پورداوود، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعنا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاة بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران، مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی - که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود - طی نامه ای مرا به دکتر مشکاة معرفی کرد. و دکتر مشکاة، پس از آن، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت. دکتر محفوظ، با وجود تبخر در علوم مختلف - که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت - خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیهم السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳ سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱-۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه، برکسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش‌های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره نسخه‌های خطی پژوهش‌های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون: مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المكتبة العربية، مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المكتبة العربية، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزیق، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه‌های مختلف در عراق، ایران، آذربایجان و روسیه در این زمینه، بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد، چندین اثر ماندگار در علم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود، مانند: دائرة الالهة (۱۹۷۸)، دائرة التقویم (۱۹۷۹)، تقویم القرن الخامس عشر الهجری (۱۹۷۹)، جدول الأدوار و الكبائس ستة آلاف سنة الهجرية (۱۹۷۹)، اوائل الشهور الاثني عشر فی القرن الخامس عشر (۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش‌های خود بسیار بها می‌داد. به عنوان نمونه، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪، زبان تاجیکی ۴۶/۳۹٪، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪.

نیز: از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده شرقی (غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر بکار رفته است.

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ‌های تخصصی ید طولایی داشت، از جمله: معجم الآلات و الأدوات، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد، معجم الالوان،



مصطلحات النقود، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترّفين، معجم الموسيقى العربية. به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت، به ویژه تاریخ عتبات عالیات، که تحقیقات او در این زمینه، در دوره «مرسوعة العتبات المقدسة» انتشار یافت. در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب، بسیار می‌کوشید، مانند: هزاره کندی فیلسوف، هزاره سید رضی، هزاره شیخ صدوق، هزاره صاحب بن عباد، هزاره شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی و ابن رحمة حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و... در طول این سالها، استدراک بر کتابشناسی‌هایی مانند کشف الظنون و معجم المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲)، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن (۱۹۵۴)، مجمع اللغة العربية قاهرة (۱۹۵۶)، مجمع علمی علیگره هند (۱۹۷۶)، مجمع علمی عربی دمشق (۱۹۹۳) و مجامع دیگر، در کارنامه اوست. و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه، به تصحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکملة امل الامل» نوشته علامه محقق سید حسن صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او - در عین تصلّب به مبانی شیعی - بسیار دیدنی بود. استاد براساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۵۶٪ از آن، حکم مختصّ شیعه امامیه است. (متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص ۱۸۲-۱۸۸ به چاپ رسید.)

در تصلّب او به مبانی شیعه و بزرگان آن، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ، رساله‌ای دربارهٔ ثقة الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته‌اند و در مقدمهٔ کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری دربارهٔ این رساله می‌نویسد: «هی معربة عن مكانة الاستاذ في الثقافة الاسلامية و شموخه في الادب و تضلعه و براعته في الدراية و الحديث، فزينا الكتاب به مقاله تقديرًا لسعيه و إكباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی دربارهٔ آن می‌نویسد: «از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب کافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله به زبان انگلیسی ترجمه شده و در ابتدای نخستین مجلد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان "Al-Kulayni and Al-Kafi") درج شده است.

(چاپ تهران: سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis، ج ۱، ص ۲۷ تا ۴۶)
ایشان به نگارندهٔ سطور می‌فرمود: «وصیت کرده‌ام نوشته‌هایی را که در مورد ثقة الاسلام کلینی نوشته‌ام، همراه با من دفن شود، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره‌مند شوم».

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ، تداوم راه استادش شیخ آقابزرگ تهرانی در برپایی رایتِ اجازهٔ حدیث است. وی، از زمانی که نخستین اجازهٔ روایی خود را در سن بیست سالگی، از شیخ آقابزرگ گرفت، تا آخر عمر پربار خود، نزدیک به صد اجازهٔ روایتی، از محدثان شیعهٔ امامی، زیدی، اسماعیلی، حنفی، حنبلی، مالکی، شافعی در زمینه‌های حدیث، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه، خط، استخراج، علوم غریبه گرفت. و خود به صدها تن اجازهٔ روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله: نجف، کاظمین، سامرا، صور (لبنان)، طنجه، فاس (مغرب)، تهران، قم، زنجان، بغداد، دمشق، اصفهان، سمنان، سبزوار، پطرزبورگ، مدینه، بعلبک، بصره، موصل، علیگره، إربیل (عراق)، لندن، صنعاء (یمن)، تلمسان (الجزایر)، بعقوبه (عراق)، هرمل (لبنان).

دکتر محفوظ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته‌های کتبی، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می‌داد و استجازه آنها از خود را، نشانه تواضع آنها می‌دانست. از جمله در جایی می‌نویسد: «مرجع اکبر اقدم سید ابوالقاسم خویی (قدس الله سرّه) از من خواست که به او اجازه روایت دهم، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایت تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که در علوم حدیث، «روایة الأكابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه‌ای کوتاه، از همین مجلس چنین یاد می‌کند:

قال: «أجزني أنت» ينهل سنا	مشعشا، لّما استجزته انا
قال: أجزني، فسكتّ ادباً	و هيبه و خجلاً و رهبا
أكاد من فرط الحيا أذوب	و القلب قد قطّعه الوجيب
و المثلّی أن یجیز مثله	و کلّ و بل لا یجاری طله
لکته تواضع الکبار	إذا حنوا فضلاً علی الصغار
و هو تواضع الأعزّ الأجل	ما یخفض الجناح إلاّ أمثل
و أنّها روایة الأكابر	إذا روی الشیخ عن الأصاغر
و ذاک حقّاً شرف عظیم	أرفع لا تناله النجوم
قد خصّنی بلطفه إحساناً	و من یضاهئ الحیا تهتاناً

در اینجا نام جمعی از مشایخ روایتی او - در رتبه‌های مختلف: اکابر، اصاغر، اقران - به ترتیب سال، از ۱۳۶۴ تا ۱۴۲۲ قمری یاد می‌شود. درباره برخی از این

اجازات و اهمیت آنها، سخن فراوان می توان گفت که مجال آن در این اجمال نیست.

تاریخ	مکان	مُجیز	توضیح
۱۸ شوال ۱۳۶۴	کاظمین	شیخ آقابزرگ تهرانی [۱]	اجازه دیگر: ربیع الاول ۱۳۶۷
۲۰ ربیع الاول ۱۳۶۶	سامرا	شیخ محمد بن رجبعلی تهرانی	
۲۷ شوال ۱۳۶۶	کاظمین	سید صادق موسوی هندی	
۴ ذی القعدة ۱۳۶۶	نجف	شیخ عبدالحسین امینی	
۶ جمادی الثانی ۱۳۶۷	کاظمین	شیخ عبدالرزاق عاملی	
۱۲ رمضان ۱۳۶۷	کاظمین	شیخ راضی آل یاسین	
۲ شوال ۱۳۶۷	نجف	شیخ محمد سماوی	
۸ جمادی الاول ۱۳۶۷	کاظمین	شیخ جعفر نقدی	
جمادی الاول ۱۳۶۷	صور	سید عبدالحسین شرف الدین	
۲۵ ربیع الثانی ۱۳۶۹	طنجه	حافظ ابوالفیض احمد بن محمد بن صدیق غماري مغربی [۲]	
جمادی الاول ۱۳۶۹	فاس	محمد عبدالحی حسن ادیسی کتانی مغربی	
شوال ۱۳۶۹	نجف	شیخ محمدعلی اردوبادی	
۲۱ ربیع الثانی ۱۳۷۰	تهران	شیخ محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی	
شعبان ۱۳۷۰	قم	سید صدرالدین صدر	
۲۵ شعبان ۱۳۷۰	قم	سید شهاب الدین مرعشی نجفی	
۲۶ شعبان ۱۳۷۰	قم	سید محمد حجت کوه کمری	
آخر ذی الحجة ۱۳۷۰	زنجان	میرزا فضل الله زنجانی	
۱۹ جمادی الاول ۱۳۷۰	بغداد	سید تقی الدین هلالی مغربی [۳]	



تاریخ	مکان	مُجیز	توضیح
۲۶ جمادی الاول ۱۳۷۰	تهران	جلال الدین همایی اصفهانی	
۱۳۷۱	دمشق	سید محسن امین عاملی [۴]	
۲۶ جمادی الثانی ۱۳۷۱	تهران	سید محمد بهبهانی	
رجب ۱۳۷۲	اصفهان	شیخ محمد باقر الفت	
۱۵ رجب ۱۳۷۲	اصفهان	علویه اصفهانی (بانو امین)	
۱۲ شوال ۱۳۷۴	اصفهان	میرزا حسن چهار سوقی	
۱۱ ربیع الثانی ۱۳۷۴	اصفهان	سید عبدالله حسینی ثقة الاسلام	
۱۳۷۴	اصفهان	سید عبدالحجة بلاغی (نعمت اللهی)	
ربیع الثانی ۱۳۷۵	اصفهان	شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی	
۱۷ ربیع الاول ۱۳۷۵	سمنان	شیخ محمد صالح حائری مازندرانی	
ربیع الثانی ۱۳۷۵	سبزوار	سید عبدالله برهان سبزواری	
۱۳۷۵	—	ابوالفضل عبدالله محمد صدیقی [۵]	
شوال ۱۳۷۶	تهران	سید جمال الدین گلپایگانی	
۶ رجب ۱۳۸۲	بغداد	حاج محمد ناصر محمد کبو [۶]	
۱۰ رجب ۱۳۸۲	بغداد	شیخ محمد فاضل بن عاشور تونسلی [۷]	
آخر محرم ۱۳۸۳	لنینگراد	عبدالباری اوفای [۸]	
۲۹ ذی القعدة ۱۳۸۳	مدینه	شیخ عبدالسلام بن عبدالقادر قریشی مغربی [۹]	
۲۹ ذی القعدة ۱۳۸۳	مدینه	شیخ محمد ابراهیم بن سعد الله فضلی ختنی	
۲ ذی الحجة ۱۳۸۳	مدینه	شیخ محمد بدر عالم هندی مدنی	
۳ ذی الحجة ۱۳۸۳	مدینه	شیخ عبدالغفور بن شاه سید حنفی نقشبندی مدنی	
ذی الحجة ۱۳۸۳	مدینه	شیخ سید قاسم اندجانی فرغانی مدنی	
۴ ربیع الاول ۱۳۸۴	کازمین	سید محمد مهدی خوانساری کاظمی	
۱۹ ربیع الثانی ۱۳۸۴	بعلبک	شیخ حبیب مهاجر عاملی	

تاریخ	مکان	مُجیز	توضیح
۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۸۴	نجف	سید محمد صادق بحر العلوم	
۶ صفر ۱۳۸۷	کاظمین	سید هادی حسینی تبریزی	
۱۲ رمضان ۱۳۸۷	بغداد	ملا عبدالکریم مدرّس مریوانی بیاری	[۱۰]
۱۳۸۷	نجف	شیخ حسین قدیحی قطیفی بحرانی	[۱۱]
۱۴ صفر ۱۳۸۸	بصره	میرزا عباس اخباری [۱۲]	
ربیع‌الاول ۱۳۸۸	کاظمین	میرزا نجم‌الدین شریف عسکری	
۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۸۸	نجف	شیخ محمدرضا طبسی	
۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۸۸	نجف	میرزا حسن موسوی بجنوردی	
۲۰ صفر ۱۳۸۹	علیگره (هند)	سید علی نقی نقوی لکهنوی	
۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۸۹	کاظمین	سید محمد علی اعرجی	
جمادی‌الثانی ۱۳۸۹	اربیل	قاضی شیخ محمد رشاد مفتی [۱۴]	
۲۲ رجب ۱۳۸۹	بصره	سید عباس بشر	
رجب ۱۳۸۹	اربیل	شیخ مصطفی نقشبندی غیائی	
شوال ۱۳۸۹	نجف	سید محمد حسین حسینی جلالی [۱۵]	
۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۹۰	بغداد	شیخ علاء‌الدین سجّادی	
۷ ربیع‌الثانی ۱۳۹۰	بغداد	شیخ محمد علی مدرّس افغانی	
۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۹۰	بغداد	شیخ احمد فهمی مصری [۱۶]	
ذی‌الحجه ۱۳۹۰	نجف	سید احمد مستنبط	
۱۶ جمادی‌الاولی ۱۳۹۱	نجف	شیخ فرج عمران قطیفی	
۱۶ جمادی‌الاولی ۱۳۹۱	موصل	شیخ محمد علی بن الیاس موصلی حنفی	
۲۷ محرم ۱۳۹۳	لندن	سید محمد مشکاة [۱۷]	
۶ رجب ۱۳۹۳	دمشق	شیخ محمد بهجب بیطار دمشق	
۲۶ شوال ۱۳۹۵	بغداد	شیخ محمد بن علی اکوع یمانی	



تاریخ	مکان	مُجیز	توضیح
۱۳۹۷	موصل	شیخ عبدالمجید بن اسماعیل خطیب [۱۸]	
۹ رجب ۱۳۹۸	صنعاء	قاضی محمد بن اسماعیل عمرانی یمانی	
شوال ۱۴۰۲	تلمسان	ابوالحسن علی ندوی	
۲ رجب ۱۴۰۴	بغداد	شیخ حمدی بن عبدالمجید سلفی کردی	
۱۴۰۴	بغداد	شیخ محمد شاذلی تونسسی	
۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۹	نجف	شیخ شمس الدین واعظ کاظمی	
۲۵ شعبان ۱۴۰۹	نجف	سید علی الاعلی سبزواری	
۲۹ جمادی الاولی ۱۴۱۱	بعقوبه	سید عبدالکریم آل سید علی خان مدنی	
۵ جمادی الاولی ۱۴۱۳	کاظمین	شیخ عیسی بن عبدالحمید خاقانی	
شوال ۱۴۱۳	تهران	سید محمد جزائری موسوی	
۶ محرم ۱۴۱۴	نجف	سید علی حسینی سیستانی	
۱۴۱۴	نجف	شیخ محمد امین زین الدین	
۷ ربیع الاول ۱۴۱۵	نجف	شیخ علی غروی	
۲۷ جمادی الآخرة ۱۴۱۵	نجف	سید محمد موسوی کلانتر	
۱۲ رجب ۱۴۱۵	نجف	سید محمد سعید طباطبایی حکیم	
۱۱ شعبان ۱۴۱۵	کاظمین	شیخ ملاعباس شامی	
۱۴ ذی القعدة ۱۴۱۸	نجف	سید محمد علی حمامی نجفی [۱۹]	
۱۴ ذی الحجة ۱۴۱۷	هرمل (لبنان)	شیخ موسی شراره [۲۰]	
۱ رجب ۱۴۱۸	نجف	سید حسین بحر العلوم	
۵ رمضان ۱۴۲۱	نجف	سید علاء الدین موسوی غریفی	
۱۲ رمضان ۱۴۲۱	نجف	شیخ اسحاق فیاض	
شوال ۱۴۲۲	نجف	سید علی بهشتی	
شوال ۱۴۲۲	نجف	شیخ بشیر نجفی	

توضیحات کلی جدول

الف) مواردی که با علامت ستاره مشخص شده، اجازه مدبجه است، یعنی در یک مجلس همزمان، مجیز به مجاز اجازه می دهد و از او اجازه می گیرد.
ب) از یاد کرد القاب تجلیل و تکریم در مورد این بزرگان صرفنظر شد.
ج) دکتر محفوظ به کار اجازه گرفتن و اجازه دادن تا آخر عمر خود اشتغال داشت. لذا تکمیل این جدول، ضرورت دارد.

توضیحات جزئی جدول:

- ۱- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ربیع الاول ۱۳۶۷ در شهر نجف بود.
- ۲- از بزرگان اهل تسنن در منطقه مغرب
- ۳- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ۱۵ ماه رمضان ۱۳۷۰
- ۴- این اجازه را مرحوم امین عاملی در اواخر عمر خود در بیمارستان نوشت.
- ۵- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ۱۳۷۸. وی از بزرگان شافعیه زمان خود بود.
- ۶- وی از عالمان نیجریه افریقا بود و این اجازه در مدرسه مستنصریه بغداد صادر شد.
- ۷- وی قاضی القضاات تونس بود.
- ۸- امام جمعه سن پترزبورگ
- ۹- صاحب کتاب «دلیل مؤرخ المغرب»، که در کتابخانه شیخ الاسلام احمد عارف حکمت، این اجازه را نوشت.
- ۱۰- این اجازه را در حجرة خود در حرم قادریه نوشت.
- ۱۱- این اجازه، شفاهاً و به واسطه شیخ آقا بزرگ تهرانی از او اخذ شد.
- ۱۲- وی رئیس اخباریون در بصره بود.
- ۱۳- وی، خطیب حرم یونس نبی ﷺ در موصل، و شیخ القراء در آن دیار بود و سه بار اجازه روایتی داد: ۱۴ و ۲۲ و ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۸۸.

۱۴- وی قاضی اربیل (عراق) بود.

۱۵- وی اکنون در شیکاگو (امریکا) اقامت دارد و به ترویج تشیع در آن دیار مشغول است.

۱۶- وی استاد دانشکده شریعت و قانون در دانشگاه الازهر بود.

۱۷- وی قبلاً در سال ۱۳۷۰ قمری در تهران به دکتر محفوظ شفاهاً اجازه روایتی داده بود.

۱۸- ملقب به سراج القراء، خطیب مسجد شیث نبی ﷺ در موصل.

۱۹- از مراجع تقلید، که اجازه شفاهی را در ۲۷ ماه رمضان ۱۴۱۷ در کاظمین داده بود.

۲۰- مفتی هرمل.

سخن پایانی

بی تردید، عمری چنین پربار، با خوان علمی که چنین گسترده بود - در تمام زمینه ها و در تمام شهرهایی که سفر کرده بود - به گفتارهایی دیگر نیاز دارد. صدها شاگرد دست پرورده ایشان، سخن ها برای گفتن دارند، که باید در تاریخ ثبت شود. آنچه در این مقاله مختصر نوشته آمد، مبتنی بر چند نوشتار است که در کمال استعجال در روز ۶ بهمن ۱۳۸۷ بر اساس منابع زیر تدوین شد:

۱- تاریخ آل محفوظ فی العراق و لبنان.

۲- جنی الجنتین (فهرستی از اجازات)

۳- زندگینامه خودنوشت استاد

۴- اجازة القرائه و روايه القرائات

۵- الوفاق بین المذاهب الاسلامیة

این پنج اثر، همه از تألیفات مرحوم استاد دکتر حسین علی محفوظ است که نسخه ای از آنها را در آبان ۱۳۸۶ شمسی در قم به نگارنده این سطور مرحمت

فرمودند.

۶- مقاله «جوانب منسبیه فی دراسة السنة النبویه» اثر استاد فقید (رسالة التقریب، ش ۶۰، ص ۱۸۱-۱۹۸) که در پایان آن ۵۰ پیشنهاد برای ادامه پژوهش‌های علمی در زمینه علم الحدیث آورده‌اند. (گزارشی از آن پیشنهادها در شماره ۱۹ سفینه نقل شد).

۷- فهرست بعض اعمال الاستاذ الدكتور حسین علی محفوظ (المنشوره)، ۱۹۴۱ - ۲۰۰۲، باهتمام کلیه اللغات، جامعه بغداد.

این فهرست، عناوین بخشی از مقالات و نوشته‌های استاد را به ترتیب تاریخ نگارش یا انتشار دربر می‌گیرد.

۸- از من ایشان را هزاران یاد باد. (گفتگوی امیر حسین شرافت با دکتر محفوظ، روزنامه اطلاعات ۵ بهمن ۱۳۸۷، ص ۶).

۹- مجله الکوثر، چاپ قم، شماره ۲۳، رجب ۱۴۲۶، ویژه‌نامه دکتر محفوظ. (شامل ۱۰ گفتار منظوم و منثور از استاد فقید)

۱۰- دکتر حسین علی محفوظ اندیشمندی فرزانه نوشته موسی دانش - مجله مشکوة، چاپ مشهد، ش ۸۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۲۰-۱۲۶.

۱۱- الدكتور حسین علی محفوظ ونظرية التقريب بين المذاهب الاسلامية - نوشته دکتر جودت قزوینی - انتشارات the open school، شیکاگو.

۱۲- گفتار آیت الله سید محمدرضا جلالی در مورد استاد دکتر محفوظ (منتشر نشده).

۱۳- چندین جلسه تشرف حضوری نگارنده این سطور به حضور آن فقید.

پیوست

به پیوست این گفتار، دو نمونه از دستخط‌های استاد فقید می‌آید:
سند اول - نامه‌ای است که ایشان در سال ۱۹۷۴ از لندن برای محقق فقید استاد



سید جلال‌الدین محدث ارموی فرستاده است. البته این ارسال به واسطه استاد فقید مرحوم علی‌اکبر غفاری بوده، چنانکه ظهر پاکت به نشانی مکتبه الصدوق در آن زمان است. این نامه به لطف خلف الصدق استاد محدث ارموی، جناب میرهاشم محدث در اختیار این بنده قرار گرفته، که از این لطف تشکر می‌کنم.

سند دوم - متنی کوتاه که دکتر محفوظ سال گذشته (۱۳۸۶ شمسی) در سفر قم، در مورد مرحوم محدث ارموی نوشتند. و ترجمه آن را در مجلس بزرگداشت استاد محدث ارموی در کتابخانه مجلس خواندم. این دو سند برای نخستین بار منتشر می‌شود.

دستخط آقای محفوظ ۱



فایده / شماره ۲۱ / زمستان ۱۳۸۷
سال ششم



دستخط آقای محفوظ ۳



فایه
سال ششم / شماره ۲۱ / زمستان ۱۳۸۷